

درباره کوچه بهاء التولیه که هنوز نامش در خاطرات مردم شهر سبز است

یادگار باغ‌های مُرده مشهد

رضا سلیمان‌نوری امشهد یک نقشه قاجاری دارد که کلنل جولیس دالمج کشیده است. در این نقشه آنچه بیش از اندازه جلوه دارد، رنگ سبزی است که نشان‌دهنده باغ‌های مشهد است، باغ‌ها و مزارعی که متأسفانه در طول ۱۵۰ سال تخریب شده‌اند و جایشان را به خانه‌های مسکونی و تجاری داده‌اند. آن چنان که با وجود افزایش مساحت شهر، از لحاظ فضای سبز دچار پسرقت شده‌ایم. وجود کوچه‌ها و محلاتی چون باغ عنبر، باغ سنگی، باغ دولاب و بسیاری دیگر از باغ‌هایی که دیگر مرده‌اند و فقط یک نام در تابلوهای قدیمی از آن‌ها باقی است، نیز به این موضوع گواهی می‌دهد. کوچه‌بهاءالتولیه‌که اکنون تابلوی، ته‌پل محله ۶، وشهید سعید سروقدی، در ابتدای آن دیده می‌شود، نیز از همین باغ‌های به‌کوچه تبدیل شده است که قصه‌اش را در سطرهای بعدی روایت کرده‌ایم.

از باغ میرزاداوود تا کوچه بهاء التولیه

کوچه بهاء التولیه زمانی باغ بوده است، البته بهتر است این گونه بگوییم که مسیر اصلی این کوچه در دوران قاجار، راه ایجادشده بین باغات کوچک و بزرگ دوسوی کوچه بوده است. بزرگ‌ترین واصلی‌ترین این باغ‌ها هم که حدود آن از انتهای کوچه تاجرباشی (بهجت ۳ کنونی) آغاز و به آخرین فرعی فعلی کوچه (محل اتصال آن با کوچه بینادل) ختم می شده است، متعلق به میرزاداوود شهیدی (کوچک‌ترین پسر سیدمحمد مهدی خراسانی، مشهور به شهید رایج) بوده است.

آغاز مرگ باغ‌ها و ساخت خانه‌های مسکونی در «بهاء التولیه»

تقسیم باغ بهاء التولیه پس از درگذشتش بین ورثه از یک سو و تبدیل سایر باغ‌های شخصی قرارگرفته در این مسیر به منازل مسکونی، از دیگر سو، عاملی می‌شود تا کوچه بهاء التولیه از همان نخستین سال‌های حکومت پهلوی ها بر ایران تا پایان این دوره، ساختاری مشخص داشته باشد، به‌طوری‌که نقشه ترسیم‌شده از این کوچه بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۰ کمترین تغییر را داشته است.



نمای خانه موسوی نژاد و بوستان ابتدای کوچه

درباره دیگر معبرهای کوچه بهاء التولیه

از دیگر فرعی‌های مهم کوچه بهاء التولیه در آن دوران، کوچه تاجرباشی (بهجت ۳ فعلی) است. همچنین در بخش انتهایی کوچه، مسیری قرار داشته که از طریق آن، بدون گذر از میدان ته‌پل محله، دسترسی به نوغان فراهم می‌شده است. این مسیر که در نقشه آن دوران با نام کوچه «حیدر (شهیدتشکری فعلی)» شناخته می‌شود، به کوچه بختیاری (منشعب از کوچه «حمام باغ» بود) و سپس کوچه دکتر نقیعی (نوغان ۶ فعلی) متصل می‌شده است. علاوه‌بر این‌ها، کوچه در سال‌های پیش از انقلاب، دارای دو فرعی بن‌بست بوده که در دو سوی آن قرار داشته است. بزرگ‌ترین تغییر ساختار ایجادشده در کوچه بهاء التولیه نیز در سال‌های نخست پس از انقلاب، اضافه‌شدن یک کوچه فرعی در سمت غربی آن بوده است، این کوچه فرعی که اکنون هم پابرجاست، آخرین و سومین فرعی غربی کوچه بهاء التولیه در آن دوران بوده که بر اثر تقسیم آخرین ملک بزرگ آن، ایجاد شده است.

بهاء التولیه، پس از اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر

تغییرات ناشی از اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر، بر ساختار کوچه بهاء التولیه، تأثیر شگرفی گذاشته است که بسیار بیشتر از نکته‌های گفته‌شده در بالاست. هم‌اکنون نه‌تنها دیگر هیچ اثری از بناهای ابتدای کوچه و محل تلاقی آن با راسته کوچه ته‌پل محله نیست، بلکه نخستین فرعی غربی و بخش جنوبی دومین فرعی نیز به‌طورکامل حذف شده و قرار است یک پروژه اقامتی تجاری به‌جای آن‌ها اجرا شود.

نخستین فرعی کنونی کوچه نیز، میزبان پنج پلاک است که سه پلاک آن از تقسیم خانه بزرگ خاندان خالقی ایجاد شده است.

همچنین دومین پلاک این کوچه به خانه ثبت‌ملی احمدیان اختصاص دارد که به‌تازگی به یک سنتی‌سرا تبدیل شده است. پس از این فرعی تا کوچه ساسان (بهجت ۳) یک پلاک تخریبی، دو خانه و دو دربند مغازه خودنمایی می‌کند و حدفاصل کوچه ساسان تا فرعی بعد نیز، دو بنای بلندمرتبه درحال ساخت و دو پلاک مسکونی دیده می‌شود. آخرین و جدیدترین فرعی غربی کوچه، میزبان چهار پلاک مسکونی فعال، یک پلاک درحال ساخت و یک پلاک رهاشده است و پس از این کوچه تا بوستان بهاء التولیه که پایان بخش مسیر غربی کوچه است، سه پلاک مسکونی دیگر وجود دارد. انتهای بوستان نیز از یک‌سو به کوچه بهاء الدوله و کوچه ساسان و ازسوی دیگر به کوچه بینادل ختم می‌شود. پس از خانه تاریخی احمدیان، باید از خانه موسوی نژاد(با قدمت پهلوی اول) نیز به‌عنوان دو پلاک ثبت‌ملی‌شده کوچه بهاء التولیه نام برد. همچنین در این محدوده، بنای جدید مسجد ارشاد درحال تکمیل است. پس از این پروژه تا کوچه شهید تشکری، زمینی رهاشده مشاهده می‌شود که حاصل تخریب خانه‌های قدیمی است و از آن به‌جای پارکینگ استفاده می‌شود. در سوی دیگر ورودی کوچه شهید تشکری هم دو مغازه قدیمی قرار دارد که در یکی هنوز چوبی است. پشت این مغازه‌ها زمینی رهاشده حاصل تخریب یک پلاک مسکونی، یک آپارتمان سه‌طبقه اقامتی، زمین خالی باقی‌مانده از مدرسه صابری، دو پلاک مسکونی و سپس حسینیه خیرالنسای تبریز که یگانه حسینیه کوچه است، واقع شده‌اند. سه پلاک آخر کوچه تا تقاطع بینادل را هم سه خانه مسافر به خود اختصاص داده‌اند.



نمای از خانه تاریخی احمدیان

میرزاداوود که وزیر وظایف آستان قدس بود و در دوران حکومت آصف الدوله بر خراسان، موقعیت و جایگاه ویژه‌ای داشت، پس از سفر حج به «بهاء التولیه، ملقب شد. او همچنین دستی بر آتش ادبیات داشت و با تخلص «بینوا» شعر می‌سرود. علاوه‌بر این در ستاره‌شناسی متبحر بود و براساس اسناد موجود، قصد داشت رصدخانه‌ای در مشهد بسازد اما شرایط زمانی آن روزگار مانع شد

و پس از مدتی نیز پیمان‌ه عمرش لبریز شد. خانه‌باغ میرزاداوود پس از درگذشتش هم محل رفت‌وآمد اهل فضل بود، به همین دلیل نیز مردم برای معرفی کوچه‌ای که مسیر دسترسی



موقعیت کوچه بهاء التولیه بر روی نقشه دالمج



نمای زمین مدرسه صابری سابق

قصه معبر «حوض حاج محمد» و حضور نانویان مشهدی در آن

براساس نقشه ۱۳۳۳ خورشیدی که تقریباً در میانه این دوره ترسیم شده است، کوچه بهاء التولیه در آن زمان شامل یک مسیر اصلی (مسیر اتصال کوچه ته‌پل محله به باغ بهاء التولیه) و چند مسیر فرعی بوده است، نخستین مسیر فرعی (از سمت شرقی کوچه) را در آن زمان براساس اطلاعات ثبت‌شده در این نقشه، کوچه «حاجی میرزااحمد، می‌گفته‌اند که بعدها به کوچه «حوض حاج محمد، تغییر نام پیدا می‌کند و این تغییرنام نیز به‌دلیل وجود یک مسجد و حوض آب به نام او بوده که در ابتدای کوچه قرار داشته است. همچنین ازآنجاکه «حاج محمد، ظاهراً نانوا بوده، روایت است صنف خبازان مشهد، مراسم مذهبی خود را برای مدتی در این مسجد برگزار می‌کرده‌اند.

تغییرات کوچه بهاء التولیه پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ته‌مانده باغ‌ها و خانه‌های قدیمی کوچه بهاء التولیه خراب شدند و به‌مرور جایشان را به منازل مسکونی جدید دادند. مسجد «حوض حاج محمد، نیز در همین دوران به «ارشاد، تغییر نام داد و همچنین حوض انبار زیر آن به کتابخانه‌ای برای جوانان محل تبدیل شد. سرانجام اینکه در نخستین گام‌ها برای اجرای طرح نوسازی اطراف حرم مطهر رضوی در این محدوده، حمام بهاء التولیه که در دوران پهلوی در بخشی از باغ وی ایجاد شده بود و یگانه بنای باقی‌مانده به نام مالک اولیه بیشتر پلاک‌های این کوچه محسوب می‌شد، هم ابتدا تخریب و پس از مدتی به بوستانی عمومی تبدیل شد. این تغییر وضعیت برای یگانه مدرسه بناشده در کوچه یعنی «دبستان صابری، هم رخ داد، با این تفاوت که پس از انتقال مدرسه به جایی دیگر و تخریب بنای آن، به پارکینگ تغییر کاربری داد.

یادی از خاندان‌های قدیمی کوچه بهاء التولیه

از خاندان بهاء التولیه و وابستگان به آن مانند «شهیدی‌ها» و «فیاض‌ها» و «میرسنده‌سی‌ها» که هرکدام مدتی را در باغ بهاء التولیه زندگی کرده‌اند اگر بگذریم، یک خاندان مهم دیگر نیز هستند که ساکن این کوچه بوده‌اند، خاندان موسوی نژاد که آیت‌ا... سیدمحمد موسوی نژاد، از روحانیان انسان‌ساز سده اخیر مشهد، مهم‌ترین چهره آن است. منزل مسکونی این خانواده از معدود منازل درامان‌مانده از تخریب‌های سال‌های اخیر در کوچه بهاء التولیه است. خاندان جاودانی ملاک (بزرگ‌آنان یعنی مرحوم «حاج‌عباس جاودانی»، از قدیمی‌های هنر عکاسی زیارتی مشهد است) و خاندان فخار (بزرگ خانواده از کوره‌پزخانه‌داران مشهد محسوب می‌شده است)، از دیگر خانواده‌های ساکن این کوچه در سده معاصر هستند. درکنار این‌ها، خانواده قیافه‌حسینی (در سال‌های اخیر به «حسینی‌پویا، تغییر نام داده‌اند و یکی از اعضای آن یعنی دکتر «سیدمحسن حسینی‌پویا» در دوره گذشته، عضو شورای اسلامی شهر مشهد بوده است) را هم باید در شمار خانواده‌هایی دانست که روزگاری در این کوچه زیسته‌اند.

در ادامه باید از خانواده مسگری (دکتر «جواد مسگری»، قاری برجسته مشهد، از اعضای آن است)، خانواده حاضرالموت (بزرگ خانواده یعنی «حاج‌رضا» از داش‌های معروف مشهد بوده است) و خاندان احمدیان (منزل مسکونی‌اش ثبت‌ملی‌شده و یکی از اعضای خانواده یعنی محمد احمدیان نیز به شهادت رسیده است) نیز به‌عنوان خاندان مشهور ساکن در این کوچه یاد کرد، البته خانواده‌های خالقی، دلیری، آذرخشی، سلیمان‌نوری، مظلوم، سجادی، عادل، حفیظی، امانی، زرگران و وفایی را هم می‌توان به‌عنوان دیگر خانواده‌های ریشه‌دار ساکن کوچه بهاء التولیه در سده اخیر به‌شمار آورد.

نام کوچه	بهاء التولیه	نام فعلی	ته‌پل محله ۶ و شهید سعید سروقدی	قدمت	نشان آن در نقشه قاجاری دالمج دیده می‌شود
وجه تسمیه	برگرفته از نام میرزا داوود شهیدی، ملقب به «بهاء التولیه»، وزیر وظایف آستان قدس در دوره قاجار که روزگاری در این کوچه ساکن بوده است				
بناهای ثبت ملی‌شده	خانه‌های تاریخی احمدیان و موسوی نژاد	شهدا	شهید محمد احمدیان	بناهای مذهبی	مسجد ارشاد و حسینیه خیرالنسا
بنای تاریخی تخریب شده	آب انبار معروف به «حوض حاج محمد»	فضای تفریحی	بوستان بهاء التولیه	فضای آموزشی	دبستان تخریب‌شده صابری
بزرگان و نامداران کوچه	میرزاداوود، وزیر وظایف مشهور به بهاء التولیه، دکتر جواد مسگری، حاج عباس جاودانی، آیت‌ا... سیدمحمد موسوی نژاد، حاج رضا حاضر الموت				

سند نوشت

مشکل تردد از روستا به شهر‌ها

زینبی| موضوع جابه‌جایی مردم در گذشته، یکی از ماجراهایی بوده است که همیشه حکایت برای گفتن دارد. پیش از اینکه شهر کوچک مشهد وسعت یابد و خیابان‌ها به حیات شهری اضافه شوند و اتومبیل‌ها به این شهر بیایند، کار جابه‌جایی مردم با الاغ و قاطر و اسب انجام می‌شد. شهروندان در داخل شهر، اغلب با حیوانات از این‌سو به آن‌سو می‌رفتند و کاری‌ها و درشکه‌ها آن‌ها را به شهرهای اطراف می‌برد. این روال با ساخته شدن خیابان‌ها تغییر کرد و کامیون‌ها و اندک‌اندک اتوبوس‌ها به راه‌های شوسه آمدند تا مسافران را از شهری به شهر دیگر ببرند. این اتفاق، مسئله جابه‌جایی مردم دربین شهرهای بزرگ را تقریباً حل کرد. هواپیما و راه‌آهن هم در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به این جمع اضافه شد و مسئله شهرهایی مانند تهران را تا حدودی حل کرد. ازسوی دیگر، جاده‌های مسیره‌ای پرتردد، اندک‌اندک آسفالت شد و از سختی سفرهای طولانی کاست. در دهه ۵۰ تقریباً مشکلی جدی برای تردد میان شهرها وجود نداشت، ولی هنوز شهرها و دهات کوچک با مشکل مواجه بودند. یکی از اسنادی که از استانداری خراسان به‌جای مانده است، این موضوع را ثابت می‌کند، به این ترتیب که استاندار خراسان، نامه‌ای را به شرکت کاروان رضا می‌نویسد که از مشکل اهالی نسر، از توابع تربت حیدریه، برای رفت‌وآمد خبر می‌دهد. در این نامه نوشته شده است: «اهالی روستای نسر از توابع تربت حیدریه برای ایاب‌وذهاب به مشهد از طریق فرمانداری محل درخواست‌نموده‌اندیک دستگاه مینی‌بوس از طرف آن شرکت برای مسافرین نسر و دهات مجاور اختصاص داده شود. باتوجه‌به اینکه فرمانداری مزبور لزوم انجام درخواست آنان را تأیید نمایید. همچنین اضافه می‌نماییم نسر، قریه بزرگ و پرجمعیتی است و هجده کیلومتر با شهر فاصله دارد، دستور فرمایید به‌منظور تأمین رفاه اهالی آن قریه، نسبت‌به موضوع تقاضای ساکنین آن حدود، اقدام مساعدی معمول داشته و نتیجه را اعلام دارند».



ینگه دنیا

زلزله و حریق، دست در دست هم!



۱۱۷ سال پیش، حدود ساعت ۵ صبح در یک روز چهارشنبه که همه چیز عادی به نظر می‌رسید، زمین زیر پای شهر سانفرانسیسکو شروع به لرزیدن کرد تا تاریخ یک شهر را به پیش و پس از آن حادثه تقسیم کند. این زلزله که ۷/۸ ریشتر شدت داشت، حدود یک دقیقه این شهر را لرزاند تا خاک آن را به توبره بکشد. در این حادثه، بیش از ۸۰ درصد از ساختمان‌های شهر فرو ریخت، بالغ بر سه هزار نفر نیز زیر آوار دفن و نفسشان گرفته شد و حدود ۵۲۴ میلیون دلار خسارت مالی روی دست شهر ماند. پس از اینکه زمین بغض فروخورده خودش را آزاد کرد و زندگی را در این شهر به چالش کشید آتش به کمک زلزله آمد تا هر آنچه در شهر هست را بسوزاند. آتش سوزی هفت روزه‌ای که در شهر زبانه کشید چیز زیادی از آن باقی نگذاشت. پس از این اتفاق فقط یک نام بر روی شهر ماند و سازه‌هایی که آوارهایشان خودش غصای بود، می‌گویند حدود ۲۷۵ نفر از کشته‌شدگان، زندانیانی بودند که در ساختمان زندان زیر آوار ماندند. خانه‌های شهر که به سبک متداول آن زمان از اسکلت چوبی و آجری ساخته شده بودند، به‌طور گسترده‌ای سوختند و از آن‌ها تنها خاکستر و ویرانه‌ای ماند. خطوط انتقال آب و فاضلاب شکسته و خطوط تراموا به صورت موجی شکل خم شدند. در مناطق واقع بر روی گسل شهر و نزدیکی آن، ساختمان‌ها به‌شدت تخریب‌شده و درختان بر روی زمین افتادند. جاده‌های عبوری از خط گسل نیز ترددناپذیر شد و یکی از خطوط لوله که آب را از دریاچه سان‌آندریاس به سان‌فرانسیسکو منتقل می‌کرد، شکست و انتقال آب به شهر متوقف شد. این گونه دیگر آب کافی هم برای کنترل و خاموش کردن آتش‌سوزی در شهر نبود. همه چیز دست به دست هم داد تا شهر یک تب سوزان و مرگبار هفت روزه را تجربه کند. همه این‌ها اتفاق افتاد، اما از آنجا که زندگی بر همه اتفاقات غلبه دارد، سانفرانسیسکو دوباره ساخته شد و اکنون شهری ۹۰۰ هزار نفری است با خاطره‌ای تلخ از خشم طبیعت.